

سفير فقيد و رابطه ديپلماسي و هنر

سفير ويليام اچ لوترز كه به ۹۵ سالگي رسيده بود، شنبه در خانه‌اش در كانتيكت، درگذشت. او تا دهه آخر عمرش، فعالانه مبلغ ديپلماسي آمريكايي به عنوان عنصر اصلي سياست خارجي ايالات متحده بود. بعد از ۳۱ سال سابقه در وزارت خارجه، مؤسسه كوينسي مفتخر بود كه او را به عنوان كارشناس غير مقيم خود داشته باشد. او پس از بازنشستگي بسيار فعال بود: به عنوان رئيس موزه هنرهای متروپوليتن مشغول بود و در اتحاديه ملل متحد ايالات متحده آمريكا، هم به عنوان رئيس هيئت مديره و هم به عنوان رئيس حضور داشت. از رهبران كليدي «پروژه ايران» بود؛ گروهی از محققان و نيز ديپلمات‌ها و نظاميان بازنشسته كه متعهد بودند مانع از دستيابي ايران به سلاح هسته‌ای شوند و جلوی درگيري نظامی در منطقه را هم بگيرند.

ترينا پارسی، معاون اجرائی كوينسي درباره او می گوید: «بيل غولي عظيم بود. درباره تلاش‌های او برای تقويت نقش ديپلماسي در سياست خارجي ايالات متحده، هر چه گفته شود كم است؛ مثلاً بدون او هيچ توافق هسته‌ای با ايران در كار نبود.» پروژه ايران تا امروز همچنان به عنوان مركزي ارزشمند برای سياست‌گذاران و تحليلگرانی خدمت می‌كند كه به دنبال پرهيز از سوءتفاهم بين ايران و ايالات متحده هستند، در فرايند پيدا كردن راه حل‌های ديپلماتيك برای پيشگيري از دستيابي ايران به سلاح هسته‌ای. رئيس جمهور باراك اوباما، شخصاً از تلاش‌های لوترز در پروژه ايران بابت حصول توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بين ايران و ۵+۱ ياد كرد. او دستخطی نوشت كه در كتاب خاطرات لوترز به نام «هم‌نشينان نامعمول» معترضان و ديپلمات‌ها، دشمنان و هنرمندان» منتشر شده است: «ممنون از تو در پروژه ايران بابت رهبري ات در توافق هسته‌ای. خيلي اثر داشت و دنيا بايش جای بهتری خواهد بود.»

لوترز مشتاقانه به دنبال دموكراتيزه كردن سياست خارجي بود و اهميت هنر و فرهنگ، به‌خصوص موسيقي را برای پل‌زدن بين فرهنگ‌ها و غلبه بر موانع سياسي به نفع ديپلماسي تبليغ می‌كرد. او از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ به عنوان سفير ايالات متحده در چكسلواكي خدمت كرد و نقشي تعيين‌كننده در تقويت شهرت بين‌المللي واتسلاو هاول داشت تا از او در مقابل ترور محافظت شود. اين اقدام ديپلماتيكی ظريف و زيركانه بود كه بنيان انقلاب مخملی اين كشور و گذار چكسلواكي از وضعيت دولت تكت‌حزبی و اقتصاد دستوری به جمهوری پارلمانی را گذاشت. با هاول در جایگاه رئيس جمهور كشور تازه تشكيل شده جمهوری چك. لوترز در خاطراتش كه سال ۲۰۲۴ منتشر شده می‌نويسد: «ديپلماسی و هنر، چنان باور كاملی به قدرت همكاری شان دارم كه ۵۰ سال صرف دفاع از اين‌ها، مبارزه برايشان و تجليل هم همه آنچه به نام‌شان حاصل شده، كرده‌ام. او پايان كنشيار را به عنوان ديپلمات بازنشسته‌ای نودو چندساله كه به گذشته زندگی خویش نگاه می‌كند نمی‌نويسد، بلكه به عنوان مشكل‌گشايش جوان دل می‌نويسد كه به سمت سخت‌ترين مشكلات دنيا كشيده می‌شود و می‌يرسد كه ديپلماسي آمريكايي را چگونه می‌توان به كار گرفت تا به درگيري پايان داد و منافع مشترك را پيش برد. او می‌نويسد:

«من، با باوري خدشه‌ناپذير به اصل بنيادين گفت‌وگو با ديگري در هم‌نشيني‌های نامعمول، متقاعد شده‌ام كه پديد حتى با پوتين با نزديك‌ترين مشاورانش حرف بزنيم تا ببينيم او كي آماده خواهد بود يا اصلاً هيچ‌وقت آماده اين خواهد بود كه نظراتش را با ما در ميان بگذارد، درباره اينكه چطور می‌توان پايانی برای جنگ اوكرين سازمان دهی كرد، بايدارهی پيدا شود كه دنبال ارتباطات پشت پرده با كرملين بگريم، با دوستان و مرتبطان پوتين، تا مشخص كنيم آيا ميلي هست كه به اختلافات رسيدگي شود و روش‌های پايان درگيري با اوكرين بررسی شوند. شيطان نمایی از پوتين، با توجه به غير انساني بودن اين جنگ بين روسيه و اوكرين كاملاً قابل درك است، اما نياز به گفت‌وگو با هم‌نشين نامعمول، شامل دشمن، بايد بر نفرت و خصومت با دشمن غلبه كند. اگر ايالات متحده مشغول حمايت از درگيري نظامی با مديريت درگيري نظامی شود، بايد اهدافی كمتر از پيروزی مطلق تعيين كند. اتفاقاً، پيروزی‌هایی كه قابل دسترسى هستند، به ايالات متحده اجازه می‌دهند در مقابل درگيري‌ها دوام بياورد، بدون اينكه ناچار باشد با شكستى تحقيرآمیز يا با جنگی تمام‌شدنی مواجه شود.»



عکس: Getty Images



نگاه تحلیلیگران



انتظار خاورمیانه‌ای‌ها از سفر ترامپ

کارشناسان انستیتو خاورمیانه سفر ترامپ به خاورمیانه را تحلیل کرده‌اند

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا دیروز راهی خاورمیانه شد. عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی مقاصد این سفر ترامپ هستند. کارشناسان انستیتو خاورمیانه از زوایای مختلف این سفر را بررسی کرده و پیش‌بینی‌هایی در خصوص نتایج آن صورت داده‌اند.

چند دستور کار در یک سفر

پل سالم / رئیس اندیشکده



کمی بیش از ۱۰۰ روز از دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ گذشته است و در حالی که ترامپ به عربستان سعودی، قطر و امارات سفر می‌کند، سیاست‌خارجی او در خصوص خاورمیانه اگر چه در حال پیشرفت است اما هنوز به دستاورد قابل توجهی نرسیده است. جالب است که ترامپ قبل از اینکه وارد کاخ سفید شود، تأثیر واضحی بر چند موضوع کلیدی در خاورمیانه داشت. اصرار او بر اینکه می‌خواهد جنگ در خاورمیانه پایان یابد، نتایج‌ها را وادار کرد تا به توافق آتش‌بس با حماس و حزب الله قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید تن بدهد. ممکن است ترامپ بتواند در این سفر تأثیر بیشتری بر دینامیک‌های خاورمیانه بگذارد. در خصوص غزه، اسرائیل تنها چند ساعت قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید به آتش‌بس تن داد و واشنگتن توجه زیادی را بر مذاکرات حماس و اسرائیل متمرکز کرد اما کمی بعد، آتش‌بس اولیه بی اعتبار شد و مذاکرات توقفی را تجربه کرد. هفته گذشته اسرائیل اعلام کرد که آماده حمله گسترده به نوار غزه می‌شود و اگر مجبور شود این منطقه را برای درازمدت اشغال خواهد کرد. هنوز مشخص نیست که واشنگتن در خصوص این تصمیم اسرائیل چه واکنشی نشان خواهد داد. احتمالاً در سفر چندروزه ترامپ به منطقه در این خصوص خواهیم شنید. در خصوص کرانه باختری، ترامپ دو ماه پیش گفته بود که موضعی اتخاذ خواهد کرد اما هنوز هیچ موضعی از دولت آمریکا شنیده‌ایم. کاملاً واضح است که یکی از اهداف اصلی ترامپ در خاورمیانه ایجاد یک توافق سه‌جانبه بین عربستان، اسرائیل و آمریکا است. چنین توافقی بدون توقف جنگ در غزه ممکن نخواهد بود. چراکه عربستان تنها زمانی چنین توافقی را خواهد پذیرفت که امتیازاتی هر چند اندک، در خصوص کرانه باختری به فلسطینی‌ها داده شود. از سوی دیگر نتایج‌ها نیز به شدت در داخل تحت فشار است و در موقعیتی نیست که چنین امتیازی بدهد. بنابراین مشخص نیست که ترامپ چطور می‌خواهد این چالش را مدیریت کند. در خصوص ایران، ترامپ به سرعت در همان اوایل کار کمپین فشار حداکثری را آغاز کرد و به موازات آن مذاکره با تهران را نیز از سر گرفت. در این خصوص هم هدف ترامپ چندوجهی است: نخست، توافق با ایران که براساس آن گزینه حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای از روی میز برداشته شود. دوم، کاهش خطر درگرفت یک جنگ منطقه‌ای و سوم، تشویق ایران به عادی‌سازی بیشتر روابطش با کشورهای حاشیه خلیج فارس و کنار گذاشتن سیاست حمايت از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه. مذاکرات تهران و واشنگتن هنوز در مراحل اولیه است. اینکه نتیجه این مذاکرات چه خواهد شد بر دیگر اهداف ترامپ اثر خواهد گذاشت. در خصوص یمن، تاکنون ترامپ یک موفقیت به‌دست آورده است. در نهایت یمنی‌ها به توقف حملاتشان به کشتی‌ها در دریای سرخ رضایت دادند. آیا این توافق موقت گسترده‌تر خواهد شد یا خیر؟ سوالی است که هنوز پاسخش را نمی‌دانیم. البته این توافق شامل اسرائیل نمی‌شود و اسرائیل همچنان به سازماندهی برای حمله به اهدافی در یمن ادامه می‌دهد. در خصوص سوریه، ترامپ هنوز موضع شفافیتی اتخاذ نکرده است. مسلمانان این سفر در این خصوص بسیار گفت‌وگو خواهد کرد. تردیدها نسبت به رژیم جدید در سوریه جدی است اما یک توافق جدی با استفاده از اهرم‌های مثبت و منفی، ممکن است

رژیم جدید در سوریه را وادار کند تا در مسیر درست حرکت کند. موفقیت ترامپ در خصوص سوریه به کیفیت روابط واشنگتن و آنکارا بستگی دارد. اردوغان و ترامپ اخیراً یک گفت‌وگوی تلفنی داشتند و ترامپ از اردوغان دعوت کرد به واشنگتن سفر کند. ترامپ می‌تواند نقشی اساسی در کاهش تنش‌ها میان ترکیه و اسرائیل ایفا کند و مانع درگیری کردها و ترکیه شود.

کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در انتظار تغییر

دانیل بنیم / تحلیلگر خاورمیانه



تصمیم ترامپ برای قرار دادن شبه‌جزیره عرب به عنوان اولین مقصد سفر خارجی‌اش در دور دوم نشان می‌دهد که اعراب خاورمیانه نخستین کشورهایی هستند که تمایل دارند با آنها معامله کنند. این سفر در ادامه روند دیپلماسی در خاورمیانه انجام می‌شود: مذاکرات دوحه درباره غزه، مذاکرات روسیه و اوکراین در ریاض و مذاکرات با ایران در مسقط. رویکرد گرم دولت ترامپ نسبت به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس کاملاً در تضاد با ائتلاف‌ها و تعهدات آمریکا در دیگر نقاط جهان است. تصمیم برای سفر به امارات، قطر و عربستان سعودی یک نشانه خوب است. گاهی اوقات واشنگتن اهمیت توازن در شرکت با این کشورها را دست‌کم می‌گیرد. هر یک از کشورهای این منطقه قدرت، نقص‌ها و اولویت‌های متفاوتی نسبت به دیگری دارند. هر چند که دولت آمریکا قصد دارد پیشرفت دیپلماتیکی را در این سفر به نمایش بگذارد اما شرایط هنوز ناپایدار است. گفت‌وگوها با ایران در جریان است اما شکاف میان لفاظی و واقعیات همچنان وجود دارد. در غزه آتش‌بس مورد حمایت ترامپ شکسته شده و جنگ در پیش است. امید برای عادی‌سازی روابط اسرائیل و فلسطین هنوز چندان زیاد نیست. کشورهای عربی به خوبی با تکنیک چرخش براساس رویکردهای آمریکا آشنا هستند. احتمالاً در این سفر توافقی‌های سرمایه‌گذاری و تجاری بزرگی اعلام خواهد شد. اما دستاوردهای پایدار بستگی به پیگیری و ابتکارات سیاسی پایدار دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با موانع امنیت ملی روبه‌رو است. اما اصلاح این موانع می‌تواند این روند را سریع‌تر کرده و تسهیل کند. دستور اجرائی اخیر ترامپ درباره سرمایه‌گذاری خارجی احتمالاً این روند را تسهیل خواهد کرد. اگر این دستاورد با دقت اجرا شود، کارگران آمریکایی و سرمایه‌گذاران عربی هر دو سود خواهند برد. بسیاری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و شهروندان‌شان از روابط خود با آمریکا استقبال می‌کنند اما بحران غزه هنوز یک مسئله بسیار مهم و جنجال‌برانگیز است. حتی کشورهای عربی که روابط طولانی‌مدتی با آمریکا داشته‌اند، نسبت به این بحران ابراز نارضایتی می‌کنند.

تردید آمریکایی‌ها نسبت به سیاست خارجی ترامپ

برایان کانولیس / تحلیلگر ارشد



محبوبیت ترامپ در آمریکا در هفته‌های گذشته کاهش یافته است. یکی از مهمترین این کاهش محبوبیت، سیاست غیرمحبوب وضع تعرفه‌ها و نگرانی مردم آمریکا در خصوص افزایش تورم است. علاوه بر این، نگاه آمریکایی‌ها به نسبت به سیاست ترامپ درباره غزه نیز چندان مثبت نیست. در حالی که ترامپ به خاورمیانه روانه می‌شود، آنچه اهمیت دارد این است که در ذهن داشته باشیم مسائل مد نظر کشورهای عربی در کنار سیاست خارجی گسترده‌تر آمریکا چیزی نیست که مردم آمریکا به آن توجه داشته باشند و جزو اولویت‌هایشان باشد. برای مثال مسائلی نظیر اقتصاد، مهاجرت و جنگ فرهنگی برای آمریکایی‌ها مهمتر است. مسائلی نظیر ایران، سوریه و جنگ حماس و اسرائیل که مدام در اندیشکده‌ها و جمع‌های نخبان مطرح می‌شود، ربطی به زندگی روزمره مردم آمریکا ندارد. با این

حال حمايت از سياست خارجي ترامپ ضعيف است. اكثر مردم آمريكا معتقدند كه او مسائل بين‌المللي را ضعيف مديريت می‌كند. یکی از دلایل این امر این است که برخی از اقدامات ترامپ در دور دوم، از حمايت اندك افكار عمومی بر خوردار بوده است. تقریباً ۵۲ درصد آمریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که سیاست وضع تعرفه‌ها نتیجه بدی برای آمریکا به دنبال دارد و تنها ۲۴ درصد مردم آمریکا انتظار نتایج مثبت از اجرای این سیاست را دارند. در خصوص روسیه و اوکراین، ۴۳ درصد مردم آمریکا معتقدند که ترامپ بیش از حد به روسیه امتیاز می‌دهد و تنها ۳۱ درصد معتقدند که او توازن بین روسیه و اوکراین را رعایت کرده است. شکست ترامپ در برقراری صلح و پایان دادن به جنگ در اوکراین نشان می‌دهد که او نتوانسته است انتظاراتی را که با شعارهای کمپین انتخاباتی‌اش بالا برده بوده، برآورده کند. در خصوص خاورمیانه نیز چند هفته اول دولت ترامپ صرف جنجال‌های رسانه‌ای درباره پیشنهاد عجیبش برای کنترل نوار غزه توسط آمریکا شد. ۶۶ درصد آمریکایی‌ها با این پیشنهاد مخالف بودند و تنها ۱۵ درصد از آن دفاع کردند. ۵۴ درصد مردم آمریکا مخالف روش مدیریت ترامپ در تحولات فلسطین و اسرائیل هستند. نظر مردم آمریکا در خصوص رویکرد ترامپ به ایران نیز هنوز واضح نیست. او با یک ماه عسل کوتاه به خاورمیانه سفر می‌کند. هر رئیس‌جمهوری در آمریکا این ماه عسل کوتاه را داشته است. رویکرد غیرقابل پیش‌بینی و عجیبش به سیاست خارجی شکاف حزبی در داخل آمریکا را عمیق کرده است. یکی از موضوعاتی که فعالان حزبی در آمریکا و رسانه‌ها بسیار روی آن تمرکز دارند، منافع شخصی ترامپ و خانواده‌اش در تجارت و معامله با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است. پیش از سفر او به منطقه، خانواده ترامپ مشغول امضای توافقات تجاری در سراسر خاورمیانه بوده‌اند. باید منتظر ماند و دید که آیا دولت ترامپ موفق خواهد شد از نتیجه سفرش به خاورمیانه برای بهبود محبوبیت او در آمریکا استفاده کند یا خیر.

ایران خواهان توافقی است اما...

الکس وطنخواه / تحلیلگر ارشد



کاملاً واضح است که ایران خواهان توافقی هسته‌ای با ایالات متحده است اما تمایل دارد این توافق براساس شرایط خودش شکل بگیرد. آنچه هنوز نامشخص است این است که ایران تا چه میزان حاضر است برای انعقاد این توافق اعطاف نشان دهد. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران نفع‌ت‌ها از تمایل ایران برای شراکت اقتصادی با آمریکا سخن گفته بلکه تأکید کرده می‌توان به توافق استراتژیک برد - برد با دولت ترامپ رسید. تنها در عرض چند ماه، آنچه که در ایران به لحاظ سیاسی تابو بود، حالا به نقل محافل سیاسی ایران تبدیل شده است. در مرکز این چرخش سیاسی در ایران در قبال مذاکره با آمریکا یک مسئله اساسی وجود دارد و آن اینکه جمهوری اسلامی نیازمند تنظیم مجدد سیاست خارجی خود است. سال‌ها مقاومت ایدئولوژیک موجب وارد آمدن آسیب‌های اقتصادی و انزوای منطقه‌ای ایران شده است و حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس مسابقه با ایران را در مسیر مدرن‌سازی، پیش گرفته‌اند. با توجه به اینکه ایالات متحده هنوز هم دربان سیستم اقتصاد جهانی است، نخبان سیاسی در ایران در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ راه میانبری برای دور زدن این در وجود ندارد. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز در مسیر نوسازی خود قرار دارند تا سهم خود را در عرصه سیاسی و تجاری جهان افزایش دهند. در این میان، اقتصاد ایران همچنان گرفتار تحریم‌ها و نقص‌های بنیادین است. مدت زمان زیادی است که اقتصاد ایران گروگان سیاست خارجی این کشور است. حالا ترامپ یک مسیر جایگزین پیشنهاد کرده است. بهرغم سخنان پرانگنده و بی‌ثبات ترامپ، ایران همچنان ترامپ را تنها رئیس‌جمهوری می‌بیند که می‌توان با او معامله کرد.